

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۸

ص ص ۱۰۵-۱۲۲

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی  
و سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد

رحیمه قلعه<sup>۱</sup>

محمود علمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۸

چکیده

جامعه‌پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه می‌کند. هدف کلی این تحقیق، تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد می‌باشد. روش تحقیق، روش توصیفی از نوع پیمایش و به لحاظ هدف، تحقیق کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم پارس‌آباد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ می‌باشد که تعداد کل آن‌ها ۱۰۴۴۶ نفر بود. حجم نمونه بر اساس روش کوکران ۳۱۳ نفر به دست آمد. نمونه آماری مدارس به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شد. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن بر اساس اعتبار صوری به تایید رسید و میزان پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ در حد قابل قبول برآورد گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان پسر و دختر متوسطه شهر پارس-آباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، جامعه‌پذیری دینی، جامعه‌پذیری سیاسی، دانش‌آموزان پسر و دختر متوسطه شهر پارس‌آباد.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲. عضو هیات علمی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴۲). در جامعه‌شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که شایسته عضویت آن‌ها در جامعه است (Scruton, 2007: 649). به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نوعی فرآیند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری دینی، یک «استراتژی» تلقی می‌شود، زیرا به عقیده اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان، یک جامعه یا گروه معین از مکانیسم جامعه‌پذیری به عنوان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی بهره می‌گیرد (Michener & et. Al..., 1990). با توجه به این تعاریف مشخص می‌شود که در حوزه جامعه‌پذیری دینی حداقل با دو دسته از مفاهیم مواجه هستیم. دسته اول مفاهیم مرتبط با مقوله توحید است و دسته دوم کنش‌ها و رفتارهایی است که انسان برای حصول به مرتبه اول که همان اعتقاد به توحید است، انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که در حوزه جامعه‌پذیری دین، نیاز است هر دو دسته از مفاهیم آموزش داده شود. دسته اول که می‌توان از آن با عنوان اعتقادات مذهبی نام برد که مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی را در بر می‌گیرد که به صورت برداشت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی نمایان می‌شود. هدف اعتقادات مذهبی ایجاد تصویری در ذهن است که احساس فردی و جمعی هویت را در کنشگر تقویت می‌کند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۲۷). دسته دوم را می‌توان در غالب شعائر دسته‌بندی نمود. شعائری که معطوف به رفتارهای اخلاقی و هم معطوف به رفتارهای و کنش‌های دینی است. وقتی یک فرد مؤمن می‌تواند از سر اعتقاد دست به رفتار و کنش شعائری بزند که نسبت به حقیقت آن در ذهن و وجود شخصی و در جامعه و در قبال هویت اجتماعی نوعی تشابه و یکسانی احساس کند و در مرحله بالاتر شناخت از این امور در وجود او محقق گردد. بر اساس این بحث‌ها که تاکنون مطرح شد می‌توان چنین نتیجه گرفت جامعه‌پذیری دینی بر «نحوه انتقال مفاهیم اعتقادی از یک سو، ارائه شعائر دینی در قالب کنش‌های اخلاقی و فقهی از سوی دیگر دلالت دارد که منتج به ایجاد نگرش مبتنی بر هدف‌دار بودن حیات انسان در نزد کنشگران اجتماعی شود» می‌باشد (همان: ۲۲۸). از بین عوامل اجتماعی مختلف خانواده مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری دینی و سیاسی در مرحله جامعه‌پذیری نخستین است. ارزش‌های یاد گرفته شده در خانواده در زمینه امور مذهبی و سیاسی تاثیرگذارتر از سایر کانون‌هاست؛ زیرا، در یک فضای عاطفی و صمیمی صورت می‌بندد (شریف حیدری، ۱۳۹۲). از عوامل اجتماعی دیگر در جامعه‌پذیری دینی و سیاسی نهاد آموزش و پرورش است آموزش و پرورش رسمی به شکل امروزی برای پاسخگویی به نیازها و مشکلات و مسائل روزافزون فرهنگ جامعه شهری - صنعتی به وجود آمده است. مدارس به پرورش اخلاقی کودکان نیز توجه خاص دارند؛ علاوه بر آن پرورش دینی پرورش سیاسی در مدارس

صورت می‌گیرد. فراگردی که فرد از طریق آن جهت‌گیری اساسی سیاسی خود را در محیط جامعه کسب می‌کند. یا به تعریف دیگر پرورش سیاسی فراگردی است که از طریق آن ارزش‌های اجتماعی و سیاسی به نسل بعد منتقل می‌شود و می‌توان به طور خلاصه تعریف کرد که پرورش سیاسی فراگرد جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه است. در جامعه امروز، پرورش سیاسی به عنوان یک کارکرد آشکار نظام‌های آموزش و پرورش به عنوان یک فراگرد اجتماعی مشروع مورد توجه قرار گرفته و مسئولیت ایجاد آگاهی ملی و وفاق سیاسی به مدارس واگذار شده است (علاقه‌بند، ۱۳۸۸). رسانه نیز ابزاری است برای برقراری ارتباط که یا حامل و یا واسط پیام است (اینگلس، ۱۳۷۷: ۳۷). رسانه‌ها در طول عمر خود دارای تنوع در نوع و نحوه تأثیرگذاری بوده‌اند؛ روزنامه‌ها، نشریات ادواری، مجلات از پایان قرن هیجدهم میلادی به بعد در غرب رواج یافتند. اما تعداد خوانندگان آن‌ها نسبتاً اندک بود. تنها در یک قرن پس از آن بود که این گونه مطالب چاپی جزئی از تجربه هر روزه میلیون‌ها نفر گردیده؛ نگرش‌ها و عقاید آن‌ها را تحت تأثیر قرار دادند. گسترش رسانه‌های همگانی متکی بر اسناد چاپی، به زودی با ارتباطات الکترونیکی همراه گردید به صورتی که امروزه رسانه‌های جمعی نگرش‌ها و بینش‌های مردم را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. آن‌ها انواع گوناگون اطلاعات را که افراد به گونه دیگری کسب نخواهند کرد انتقال می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۷).

از سوی دیگر جامعه‌پذیری سیاسی یکی دیگر از ابعاد جامعه‌پذیری است که برای دولت‌ها از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است. طبق تعریف آلموند<sup>۱</sup>، جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که از طریق آن ارزش‌ها و ایستارهای سیاسی افراد شکل می‌گیرد (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱). یکی از نظریه‌های مهم در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی است که در زمینه تبیین رفتارهای سیاسی (مشارکت) کاربرد زیادی دارد. اندیشمندان جامعه‌پذیری سیاسی را فرآیند مستمر یادگیری رفتارها، اندیشه‌ها و نگرش‌های سیاسی می‌دانند. فرآیندی که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نشانه‌های خویش در جامعه پی می‌برند (قوام، ۱۳۸۴: ۷۷). جامعه‌پذیری مؤثر می‌تواند به بسیج توده‌ها و فراهم کردن زمینه مشارکت آن‌ها منجر شود. جامعه‌پذیری سیاسی معمولاً از طریق عوامل اولیه و ثانویه صورت می‌گیرد. عوامل مورد نظر در این مورد عبارتند از: عوامل اولیه (خانواده و گروه‌های همسن)، عوامل ثانویه (محیط‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، انجمن‌های ارادی، دین و نهادهای دینی). این عوامل از سه طریق تقلید، آموزش و انگیزش بر رفتار سیاسی افراد تأثیر گذاشته و باعث می‌شوند که افراد به لحاظ سیاسی منفعل یا فعال باشند (فیروزجائی، ۱۳۸۰: ۷۷).

هدف این پژوهش تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه شهر پارس‌آباد می‌باشد. دلیل عمده انتخاب این شهر برای پژوهش این بود که

<sup>۱</sup>. Gabriel Almond

تحقیقی با این موضوع در این شهر صورت نگرفته بود. لذا برای اطلاع از وضعیت موجود در زمینه جامعه-پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه اول و دوم تحقیقی با این مضمون انجام داده شد تا خانواده‌ها، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بتوانند از نتایج چنین پژوهشی استفاده نمایند.

### اهداف تحقیق

#### هدف کلی

- تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد.

#### اهداف جزئی

- تعیین رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد.
- تعیین رابطه بین میزان تمایل به فعالیت گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان تمایل به فعالیت گروهی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد
- تعیین رابطه بین میزان مشارکت و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد.

### اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری مفهومی است که به توصیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می‌پردازد که فرد را قادر می‌سازد تا با فرهنگ جامعه خودش سازش یابد. در واقع، جامعه‌پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می‌یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند» (دادستان، ۱۳۸۶: ۱۷۹). در جامعه‌پذیری، جامعه به القای ارزش‌ها و هنجارهای خویش به افراد نائل می‌آید (منطقی، ۱۳۸۳: ۵۸). از طریق اجتماعی شدن، فرد شیوه‌های زندگی جامعه خود را فرا می‌گیرد؛ شخصیتی کسب می‌کند و آمادگی رفتار به عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می‌کند. او یاد می‌گیرد خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه را پیدا می‌کند.

جامعه انجام دهد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۱۰۰). در واقع، انسان در فرآیند جامعه‌پذیری است که از طریق کنش‌های متقابل اجتماعی، شیوه راه رفتن و گفتن را می‌آموزد و به تدریج به کسب تجربه‌های مختلف می‌پردازد (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۹). در این میان، جامعه نه تنها برای بقای خود، افراد جامعه را به شیوه‌های گوناگون آموزش می‌دهد تا آن‌ها نمادها، الگوها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را در روابط متقابل خود به کار بگیرند، بلکه در تلاش است تا با دگرگونی‌هایی که در نظام اجتماعی و ترکیب افراد جامعه به علت مرگ و میر، زاد و ولد و مهاجرت رخ می‌دهد، به خودسازی و نوسازی خویش بپردازد تا از این طریق، درونی شدن عناصر اجتماعی در افراد جامعه امکان‌پذیر شود. برای این که جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد، باید دارای اجماع و وفاق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه‌پذیری افراد دارد. اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته‌های اجتماعی - اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آن‌ها همگامی کند، آموزش و جامعه‌پذیری افراد به سهولت انجام می‌شود. در غیر این صورت، ناسازگاری‌ها و ناکامی‌ها بروز خواهند کرد (سیف‌الهی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

به طور کلی، روند اجتماعی شدن، چنین مطرح می‌کند که بین شخص و جامعه نه تنها تضاد و جدایی نیست، بلکه تداوم و تداخل وجود دارد و مجازات‌ها بخشی از روند اجتماعی شدن هستند. به این شکل که عوامل اجتماعی کردن برای آن که بر درونی کردن هنجارها تأکید کنند، از مجازات‌ها استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، آثار اجتماعی شدن با تأکید بر مجازات‌ها گسترش و دوام می‌یابد و اجتماعی شدن باعث می‌شود تا نقش‌ها و مجازات‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از شخصیت فرد شوند؛ به نحوی که ارتباط رفتار با هنجارها نه تنها پذیرفته شود، بلکه به وسیله خود فرد جستجو شود (روشه، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۹). هولینگ شید (Holling Shead) سه اصل اولیه را در اجتماعی شدن هر فرد به شرح زیر اعلام کرده است:

- فرد، رفتار اجتماعی را در ایجاد رابطه و تأثیرپذیری از دیگران در اجتماع یاد می‌گیرد.
- فرهنگی که فرد در آن به دنیا آمده و بزرگ می‌شود، مشخص می‌کند که او چه کاری باید فرا گیرد و چه عملی از خود نشان دهد. تکامل فراگیری و آموزش‌پذیری فرد در جامعه زمانی محقق می‌شود که وی بتواند به طور مؤثر در اجتماعی شدن و نقش پذیرفتن در گروه ایفای نقش کند (یاورزاده، ۱۳۸۲: ۴۰).

جریان اجتماعی شدن فرد را باید از دو بُعد بررسی کرد: بعد فردی و بعد اجتماعی. بُعد فردی اجتماعی شدن عبارت است از: فرآیند یادگیری که از طریق آن، فرد هویت اجتماعی خود را پیدا می‌کند و نحوه زندگی در جمع را فرا می‌گیرد و بُعد اجتماعی آن نیز فرآیندی است که جامعه از طریق آن به آموزش اعضای خود به تنظیم امور اجتماعی و تداوم زندگی اجتماعی می‌پردازد (سیف‌الهی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). البته جامعه‌پذیری موقعی مطرح می‌شود که اشکال در تعامل اجتماعی وجود داشته باشد. وقتی صحبت از این مفهوم و دیگر مسائل اجتماعی می‌شود، لازم است به مسائل زیستی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و گروه‌های مشکل‌دار نیز توجه شود. به هر حال همه این‌ها یک تفکر و بینش درمانی را می‌طلبد. بررسی این

مسائل می‌تواند به شناخت عوامل بیماری‌زا و همه‌گیر اجتماعی کمک کند؛ چرا که این پدیده‌ها خود به خود می‌توانند به صورت گسترده همه حوزه‌ها را درگیرند (ربانی، ۱۳۸۳: ۶۷). بنابراین فرد جامعه‌پذیر کسی است که بر اثر هم‌نوا شدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راه‌های همکاری را شناخته و به این ترتیب دارای رفتارهای گروه‌پسند شده است. جریان جامعه‌پذیری به دو صورت پیش می‌رود. یعنی گاهی اوقات گروه عمداً به جامعه‌پذیر کردن فرد می‌پردازد، مانند زمانی که خانواده و مدرسه آگاهانه هنجارهای زندگی گروهی را به کودک آموزش می‌دهند و گاهی نیز زندگی گروهی، خود به خود فرد را جامعه‌پذیر می‌کند. مثل وقتی که رفتار پدران و مادران بی‌آن که خود آن‌ها متوجه باشند سرمشق کودکان قرار می‌گیرد (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۴: ۱۵۹). جامعه‌پذیری دارای هدف‌هایی است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

یکی از مقاصد جامعه‌پذیری فرد در جامعه این است که او آداب و رسوم، سنت‌ها، عقاید و رفتارهای جامعه را بپذیرد و به آن‌ها عمل کند تا امکان زندگی اجتماعی میسر شود (سیف‌الهی، ۱۳۸۶: ۱۳۱). جامعه‌پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی تحت نظم و انضباط در می‌آورد، به او امید و آرزو هم می‌دهد. فراگرد جامعه‌پذیری از طریق برآورده کردن خواسته‌ها، آرزوها، امیدها و سودهای فردی یا ممانعت از دست‌یابی به آن‌ها، برای فرد هویت می‌آفریند. این فراگرد، نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های مربوط به آن نقش‌ها را به فرد می‌آموزد. یکی دیگر از هدف‌های جامعه‌پذیری، آموزش مهارت‌ها به افراد است تا با اکتساب و یادگیری این مهارت‌ها بتوانند در جامعه منشأ اثر واقع شوند (علاقه‌بند، ۱۳۸۰: ۹۳). هدف دیگر اجتماعی شدن، قانون‌پذیری است. در واقع روند قانون‌پذیری از دوره کودکی و طی فرآیند اجتماعی شدن فرد به دست می‌آید که با ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگ عمومی جامعه، ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است.

### پیشینه تحقیق

اسدنژاد (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان "مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد فارس" به این نتیجه رسید که بین جامعه‌پذیری دینی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقلی چون سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، درآمد، نوع مسکن، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری، انواع سبک‌های مدیریت، نقش مربی و نقش محتوای کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود دارد. ولی بین جامعه‌پذیری دینی و تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر و بعد خانوار رابطه معناداری وجود ندارد. جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان از حد متوسط بالاتر است. نقش خانواده در کل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر از نقش مدرسه است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون

۴۸/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. طالبان (۱۳۸۷)، در تحقیقی تحت عنوان "خانواده، و جامعه‌پذیری مذهبی" به بررسی نقش خانواده، بر جامعه‌پذیری مذهبی نوجوانان پرداخته است که نتایج به دست آمده از تحقیق دقیقاً با چارچوب نظری مقاله ارائه شده انطباق داشته که نشان می‌دهد بین خانواده و دین‌داری رابطه مثبت وجود دارد. حتی در بالاترین سطوح تحصیلی والدین، دین‌داری فرزندان نوجوان آن‌ها نسبتاً قوی و بالاتر از متوسط نظری مقیاس دین‌داری بوده است. زائر (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان "دین‌داری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان قبر و کارزین" به این نتیجه دست یافت که میانگین نمره دین‌داری دانش‌آموزان بالاتر از سطح متوسط طیف قرار دارد و التزام دینی آن‌ها در بعد اعتقادی بیشتر از سایر ابعاد بوده ولی در بعد پیامدی دین‌داری که ناظر بر به کارگیری دین در زندگی است ضعیف‌تر از سایر ابعاد بوده است؛ همچنین رابطه دین‌داری با سن، جنس، والدین، درآمد خانواده و تدین دوستان مورد تأیید قرار گرفته است. ولی رابطه میان دین‌داری با محل سکونت، شغل والدین، نوع مسکن و عملکرد دبیر دینی مشاهده نشد.

کاترین رادی<sup>۱</sup> و لورا تایلور<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، تحقیقی با عنوان "جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان جوامع پس از مناقشه" نگاشته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که باورهای والدین، گروه همسالان، مدرسه و رسانه‌ها و خصوصاً روابط درون گروهی در توسعه باورهای سیاسی جوانان تأثیرگذار است. نتایج تحقیق هامپلوا<sup>۳</sup> و نسپور<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، نیز بر اهمیت فزاینده فرآیند جامعه‌پذیری دینی تأکید می‌کند. نتایج این تحقیق در جمهوری چک نشان داد که در مقایسه با عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی، جامعه‌پذیری دینی یک فرد نقشی به مراتب مهم‌تری در تعیین نوع و کیفیت جهان‌بینی وی دارد. کولت سابی<sup>۵</sup> (۲۰۰۷)، معتقد است که منابع اصلی و سنتی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی عبارتند از: مدارس، خانواده و مؤسسات و نهادهای دینی (مانند مساجد).

### چارچوب نظری

#### نظریه امیل دورکیم

بسیاری از کارهای دورکیم درباره تعلیم و تربیت و در سطحی کلی‌تر جامعه‌پذیر کردن نشان دهنده اهمیت این دو عامل در جلوگیری از زوال اخلاقی و وجود امکان اصلاحات در جامعه می‌باشد (ریتزر، ۱۹۸۸: ۹۱). دورکیم بشر را به عنوان انسان دو بعدی می‌دید که از یک سو دارای بدن، میل و اشتهاست و از سوی دیگر یک شخصیت اجتماعی دارد. اما انسان تنها در بعد اجتماعی صورت انسانی به خود می‌پذیرد و تنها از طریق جامعه، انسان به معنای کامل آن می‌شود. از این روی کنش اخلاقی راستین در فدا کردن

<sup>۱</sup>. M. R. Catherine M R

<sup>۲</sup>. L. K. Taylor

<sup>۳</sup>. D. Hamplova

<sup>۴</sup>. Z. R. Nespor

<sup>۵</sup>. Collet Sabe

برخی امیال فردی برای خدمت به گروه و جامعه نهفته است. دورکیم دین را یکی از نیروهایی می‌داند که در درون افراد احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه را ایجاد می‌کند. آیین‌های مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و خویشتن‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند (کوزر، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۱۹۶). در دیدگاه دورکیم، حالات نفسانی و نیازهای انسان که جنبه ذاتی و فطری نیز دارند به وسیله اخلاق مشترک تحت فشار قرار می‌گیرند. از نظر دورکیم قواعد اخلاقی دارای خصوصیت اجباری هستند و اخلاق جمعی انسان‌ها را از هر دو طریق بیرونی و درونی تحت فشار قرار می‌دهند. کنترل بیرونی، از نظر دورکیم واقعیات اجتماعی غیر مادی هستند که در کنار انسان قرار دارند و اندیشه و کنش افراد را شکل می‌دهند. اما کنترل درونی مهم‌تر از آن هستند و به درجه‌ای اطلاق می‌شود که افراد خود را به وسیله اخلاق اجتماعی درونی تحت فشار می‌بینند، دورکیم به موضوع درونی کردن اخلاق اجتماعی از طریق آموزش و در سطحی عمومی‌تر از «طریق جامعه‌پذیر کردن» بسیار علاقمند بوده است (ریتزر، ۱۹۸۸: ۹۱). دورکیم تأکید می‌کند که واقعیات‌های اجتماعی و به ویژه قواعد اخلاقی تنها در صورت درونی شدن در وجدان فردی، به راهنما و نظارت‌کننده موثر رفتار بشر تبدیل می‌شوند. به عقیده ریتزر با آن که دورکیم نحوه درونی شدن اخلاق مشترک را مشخص نکرده بود، با این حال به این امر که از قدرت درونی کردن این امور اخلاقی در جوامع معاصر کاسته می‌شود، معترف بود. به عقیده دورکیم، نظم و انضباط جمعی در حال از دست دادن اقتدار سنتی خویش است. اهمیت حفظ اخلاق جمعی و نظم اجتماعی از نظر دورکیم در جلوگیری از وقوع بی‌هنجاری و خودکشی در جامعه است که عموماً از پی تقسیم کار و جریان تفکیک اجتماعی به وجود می‌آید. از نظر دورکیم تعلیم و تربیت و جامعه‌پذیر کردن به عنوان فرآیندهایی که در آن افراد شیوه‌ها و طرق تعیین شده گروه یا جامعه را فرا گرفته و ابزارهای جسمانی و فکری و از همه مهم‌تر ابزار اخلاقی مورد نیاز برای مفید بودن در جامعه را کسب می‌نمایند. از نظر دورکیم آموزش اخلاقی در جامعه‌پذیر کردن فرد دارای سه جنبه مهم است (همان).

نظم و ترتیب: هدف در آموزش اخلاقی ایجاد افرادی است که دارای نظم و ترتیب شوند. آن‌ها به نیرویی احتیاج دارند که از تغییرات نفسانی که انسان‌ها را فرا گرفته جلوگیری کند. تنظیمات اخلاقی در کلیت خود هم‌چون دیوار و حفاظی فرضی در اطراف انسان عمل می‌کنند که او را از پیروی از گروه نفسانیات، محدود می‌سازد (همان: ۹۲-۹۱). از نظر دورکیم نظم و ترتیب دارای دو جزء است:

الف) انتظام یا منظم بودن که در آن فرد به وظایف خود در شیوه‌ای منظم و زمان صحیح و با صبر و حوصله عمل نماید. از نظر دورکیم همه نظم اخلاقی بر این انتظام مبتنی است. دورکیم در همین رابطه به تغییراتی که در حالات و رفتار فرد پیدا می‌شود اشاره کرده و بیان می‌دارد: آن چه صفات مشخصه فعالیت فرد را از دیگران جدا می‌کند بی‌نظمی کامل در حالات فرد است (دورکیم، ۱۹۶۱: ۸۶۱).

ب) خودتنظیمی: گرایش انضباط از این نقطه نظر اعتدال و میانه‌روی در تمایلات و آرزوهای شخص و ایجاد خودتنظیمی در اوست. تجربه مشترک ما بیان می‌دارد که انسان در طول جریان رشد خود، به



نیرویی برخوردار می‌کند که قیود هنجاری نام دارد و رفتار و خواسته‌های انسان را کنترل می‌کند. فرد وقتی یک چیزی را دوست دارد، هنگامی راضی می‌شود که آن را به دست آورد. او نه تنها نمی‌خواهد به وسیله خود متوقف شود، بلکه آغاز توقف به وسیله دیگران را هم به آسانی نمی‌پذیرد. از نظر دورکیم کنترل عواطف و احساسات اهمیت بسیاری دارد. زیرا هنگامی که فرد با ابراز مقاومت از سوی انسان‌های دیگر مواجه می‌شود، در او احساس خشم به وجود می‌آید (دورکیم، ۱۹۶۱: ۸۶۱). دورکیم با اشاره به اهمیت آموزش افراد در این زمینه معتقد است: ما باید به فرزندان خود آموزش دهیم تا آن‌ها بتوانند جلوی خواسته‌ها و آرزوهای خویش را بگیرند و اشتباهی خود را از همه چیز محدود کنند. این اعمال محدودیت شرط خوشبختی و سلامت اخلاقی است (ریترز، ۱۹۸۸: ۹۲).

احساس استقلال و خود مختاری: دومین جنبه از آموزش اخلاقی به تدارک دیگران و آماده‌سازی آن‌ها برای احساس استقلال می‌پردازد. منظور دورکیم از استقلال و خودمختاری، آن است که فرد بفهمد: دلیل و علت این که قواعد تجویز می‌شوند چیست؟ و آن‌ها را به وسیله تصدیقی با فکر روشن و از روی میل پذیرفته باشد.

احساس صمیمیت به جامعه: سرانجام هدف از جامعه‌پذیر کردن، رشد احساس صمیمیت به جامعه و نظام اخلاقی است. تلاش‌هایی است که به منظور مبارزه با سستی تاثیر اخلاق جمعی بر افراد در جامعه مدرن صورت می‌گیرد (همان).

### فرضیه‌ها

- بین میزان بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تمایل به فعالیت گروهی و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان تمایل به فعالیت گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت و جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت و جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه وجود دارد.

**متغیرهای تحقیق**

متغیر ملاک: جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان.

متغیرهای مستقل یا پیش‌بین:

**مشارکت**

فرهنگ و بستر، مشارکت را شرکت دادن افراد در واقعیات زندگی روزمره زندگی و یا تقسیم کردن فعالیت‌ها در بین افراد با توافق خودشان تعریف نموده است (Webster, 1981: 1946). میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۷۰ است.

**انسجام اجتماعی**

توافق جمعی میان اعضای یک جامعه که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰). میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۷۲ است.

**اعتماد اجتماعی**

اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند تعریف شده است (پاتون، ۱۹۹۹: ۱۰۵). میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۷۶ است.

**تمایل به فعالیت گروهی و جمعی**

تمایل به فعالیت گروهی و جمعی بیانگر روحیه همکاری، انگیزه کار گروهی و جمعی در بین افراد و برخوردار بودن از خصلت‌هایی چون دیگرخواهی، خیرخواهی و مشارکت جویی در فرد می‌باشد (از کیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۶۰). میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۶۱ است.

**بیگانگی اجتماعی**

در نظر مارکس انفصال و جدایی انسان از خود، از کار و تولیدات خویش، از هم‌نوع و از جامعه و طبیعت است (Robert)، به نقل از یزدان‌پناه، ۱۳۸۶). میزان ضریب پایایی این متغیر برابر ۰/۶۶ است.

### جامعه‌پذیری دینی

جامعه‌پذیری دینی بر نحوه انتقال مفاهیم اعتقادی از یک سو، ارائه شعائر دینی در قالب کنش‌های اخلاقی و فقهی از سوی دیگر دلالت دارد که منتج به ایجاد نگرش مبتنی بر هدف‌دار بودن حیات انسان در نزد کنشگران اجتماعی شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶).

منظور از جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان در این تحقیق این است که دانش‌آموزان با اثرات و فواید اعمال دینی (نماز جمعه و جماعت، روزه، مراسم اعیاد مذهبی اعتکاف، مراسم شب‌های احیاء در ماه رمضان) آشنا شده و نسبت به انجام این اعمال علاقمند شوند.

### جامعه‌پذیری سیاسی

اندیشمندان جامعه‌پذیری سیاسی را فرایند مستمر یادگیری رفتارها، اندیشه‌ها و نگرش‌های سیاسی می‌دانند. فرایندی که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نشانه‌های خویش در جامعه پی می‌برند (قوام، ۱۳۸۴: ۷۷).

منظور از جامعه‌پذیری سیاسی در این تحقیق این است که دانش‌آموزان یاد بگیرند که (مشارکت در انتخابات، علاقمندی به موضوعات سیاسی، گفتگو درباره موضوعات سیاسی، ارتباط با مسولان سیاسی، مشارکت در راهپیمایی و تظاهرات، فعالیت‌های انتخاباتی، مشارکت در انتخابات مختلف سراسری، پیگیری اطلاعات و اخبار سیاسی کشور) می‌تواند در سرنوشت سیاسی کشورشان مؤثر واقع شود.

### جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم پارس‌آباد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ می‌باشد که تعداد کل آن‌ها ۱۰۴۴۶ نفر بود. حجم نمونه بر اساس روش کوکران ۳۱۳ نفر به دست آمد. سپس نمونه آماری مدارس به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. در مرحله بعد تعداد کل مدارس مشخص شد که جمعاً ۷۶ آموزشگاه می‌باشد که از بین آن‌ها ۴۰ آموزشگاه انتخاب شد.

### یافته‌ها

- بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. باتوجه به سطح معنی‌داری بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری دینی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/704$  بیان می‌شود که بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت قوی برقرار است، یعنی با افزایش میزان مشارکت عمومی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان مشارکت عمومی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۱): آزمون همبستگی پیرسون بین جامعه‌پذیری دینی و مشارکت عمومی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت عمومی	۳۱۰	۰/۷۰۴	۰/۰۰۰

- بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری سیاسی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/564$  بیان می‌شود که بین مشارکت عمومی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت متوسط برقرار است، یعنی با افزایش میزان مشارکت عمومی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان مشارکت عمومی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کاهش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۲): آزمون همبستگی پیرسون بین جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت عمومی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت عمومی	۳۱۰	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰

- بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/325$  بیان می‌شود که بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت متوسط برقرار است، یعنی با افزایش میزان انسجام اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان انسجام اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۳): آزمون همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
انسجام اجتماعی	۳۱۰	۰/۳۲۴	۰/۰۰۰

- بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/235$  بیان می‌شود که بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت ضعیف برقرار است، یعنی با افزایش میزان انسجام اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان انسجام اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کاهش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
انسجام اجتماعی	۳۱۰	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰

- بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری دینی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/304$  بیان می‌شود که بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت متوسط برقرار است، یعنی با افزایش میزان تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۵): آزمون همبستگی پیرسون بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری دینی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تمایل به فعالیت‌های گروهی	۳۱۰	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰

- بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی برابر با  $\text{sig}=0.007$  و با ضریب همبستگی  $r=0/153$  بیان می‌شود که بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت ضعیف برقرار است، یعنی با افزایش میزان تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۶): آزمون همبستگی پیرسون بین تمایل به فعالیت‌های گروهی و جامعه‌پذیری سیاسی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تمایل به فعالیت‌های گروهی	۳۱۰	۰/۱۵۳	۰/۰۰۷

- بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/-278$  بیان می‌شود که بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار معکوس با شدت ضعیف برقرار است، یعنی با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد و با کاهش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۷): آزمون همبستگی پیرسون بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بیگانگی اجتماعی	۳۱۰	-۰/۲۷۸	۰/۰۰۰

- بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی برابر  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=-250$  بیان می‌شود که بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار معکوس با شدت ضعیف برقرار است، یعنی با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کاهش می‌یابد و با کاهش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۸): آزمون همبستگی پیرسون بین بیگانگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بیگانگی اجتماعی	۳۱۰	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۰

- بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/519$  بیان می‌شود که بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت متوسط برقرار است، یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان اعتماد اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۹): آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری دینی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۳۱۰	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰

- بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی برابر با  $\text{sig}=0.000$  و با ضریب همبستگی  $r=0/387$  بیان می‌شود که بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت متوسط برقرار است، یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان اعتماد اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۱۰): آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۳۱۰	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰

- بین مشارکت عمومی و انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی و بیگانگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی رابطه وجود دارد. با توجه به بین مشارکت عمومی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت قوی برقرار است، هم‌چنین بین انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی با جامعه‌پذیری دینی رابطه مستقیم با شدت متوسط برقرار است. یعنی با افزایش میزان مشارکت عمومی و انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری دینی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. و در نهایت بین بیگانگی اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی رابطه معکوس با شدت ضعیف برقرار می‌باشد. یعنی با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی کاهش می‌یابد و با کاهش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری دینی افزایش می‌یابد در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

**جدول شماره (۱۱): آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت عمومی و****انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی و بیگانگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی**

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت عمومی	۳۱۰	۰/۷۰۴	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	۳۱۰	۰/۳۲۴	۰/۰۰۰
تمایل به فعالیت‌های گروهی	۳۱۰	۰/۳۰۴	۰/۰۰۷
بیگانگی اجتماعی	۳۱۰	-۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۳۱۰	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰

- بین مشارکت عمومی و انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی و بیگانگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه وجود دارد. با توجه به بین مشارکت عمومی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت قوی برقرار است، هم‌چنین بین اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیم با شدت متوسط برقرار است. و هم‌چنین بین انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیم با شدت ضعیف برقرار است. یعنی با افزایش میزان مشارکت عمومی و انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. و در نهایت بین بیگانگی اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معکوس با شدت ضعیف برقرار می‌باشد. یعنی با افزایش

میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کاهش می‌یابد و با کاهش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان جامعه‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد و در نتیجه فرضیه فوق تایید می‌گردد.

جدول شماره (۱۲): بین مشارکت عمومی و انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های

گروهی و بیگانگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت عمومی	۳۱۰	۰.۵۶۲	۰.۰۰۰
انسجام اجتماعی	۳۱۰	۰.۲۳۵	۰.۰۰۰
تمایل به فعالیت‌های گروهی	۳۱۰	۰.۱۵۲	۰.۰۰۰
بیگانگی اجتماعی	۳۱۰	-۰.۲۵۰	۰.۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۳۱۰	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این تحقیق، تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد می‌باشد. با توجه به نتایج بین مشارکت عمومی و اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت قوی برقرار است، هم‌چنین بین انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی با جامعه‌پذیری دینی رابطه مستقیم با شدت متوسط برقرار است. بین بیگانگی اجتماعی با جامعه‌پذیری دینی رابطه معکوس با شدت ضعیف برقرار می‌باشد. با توجه به نتایج، بین مشارکت عمومی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معنی‌دار مثبت با شدت قوی برقرار است، هم‌چنین بین اعتماد اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیم با شدت متوسط برقرار است. و هم‌چنین بین انسجام اجتماعی و تمایل به فعالیت‌های گروهی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه مستقیم با شدت ضعیف برقرار است. بین بیگانگی اجتماعی با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه معکوس با شدت ضعیف برقرار می‌باشد. نتایج به دست آمده با برخی از تحقیقات انجام گرفته همخوانی دارد. البته بررسی‌ها نشان داد که تحقیقی مشابه تحقیق حاضر (با متغیرهای پیش‌بین) تاکنون انجام نگرفته است. با توجه به رابطه معنی‌دار متغیرهای جامعه‌پذیری دینی و سیاسی با متغیرهای مستقل (پیش‌بین) تحقیق حاضر می‌توان از دیدگاه نظری امیل دورکیم جهت تبیین این رابطه استفاده کرد. دورکیم تاکید می‌کرد که واقعیت‌های اجتماعی و به ویژه قواعد اخلاقی تنها در صورت درونی شدن در وجدان فردی، به راهنما و نظارت کننده موثر رفتار بشر تبدیل می‌شوند. از نظر دورکیم آموزش اخلاقی در جامعه‌پذیر کردن فرد دارای سه جنبه مهم است (ریتزر، ۱۹۸۸: ۹۱). نظم و ترتیب: هدف در آموزش اخلاقی ایجاد افرادی است که دارای نظم و ترتیب شوند. آن‌ها به نیرویی احتیاج دارند که از تغییرات نفسانی که انسان‌ها را فرا گرفته جلوگیری کند. تنظیمات اخلاقی در کلیت خود هم-



چون دیوار و حفاظی فرضی در اطراف انسان عمل می‌کنند که او را از پیروی از گروه نفسانیات، محدود می‌سازد(همان: ۹۲-۹۱). از نظر دورکیم نظم و ترتیب دارای دو جزء است:

الف) انتظام یا منظم بودن که در آن فرد به وظایف خود در شیوه‌ای منظم و زمان صحیح و با صبر و حوصله عمل نماید. از نظر دورکیم همه نظم اخلاقی بر این انتظام مبتنی است. دورکیم در همین رابطه به تغییراتی که در حالات و رفتار فرد پیدا می‌شود اشاره کرده و بیان می‌دارد: آن چه صفات مشخصه فعالیت فرد را از دیگران جدا می‌کند بی‌نظمی کامل در حالات فرد است(دورکیم، ۱۹۶۱: ۸۶۱).

ب) خودتنظیمی: گرایش انضباط از این نقطه نظر اعتدال و میانه‌روی در تمایلات و آرزوهای شخص و ایجاد خودتنظیمی در اوست. تجربه مشترک ما بیان می‌دارد که انسان در طول جریان رشد خود، به نیرویی برخورد می‌کند که قیود هنجاری نام دارد و رفتار و خواسته‌های انسان را کنترل می‌کند. فرد وقتی یک چیزی را دوست دارد، هنگامی راضی می‌شود که آن را به دست آورد. او نه تنها نمی‌خواهد به وسیله خود متوقف شود، بلکه آغاز توقف به وسیله دیگران را هم به آسانی نمی‌پذیرد. از نظر دورکیم کنترل عواطف و احساسات اهمیت بسیاری دارد. زیرا هنگامی که فرد با ابراز مقاومت از سوی انسان‌های دیگر مواجه می‌شود، در او احساس خشم به وجود می‌آید(همان). دورکیم با اشاره به اهمیت آموزش افراد در این زمینه معتقد است: ما باید به فرزندان خود آموزش دهیم تا آن‌ها بتوانند جلوی خواسته‌ها و آرزوهای خویش را بگیرند و اشتباهی خود را از همه چیز محدود کنند. این اعمال محدودیت شرط خوشبختی و سلامت اخلاقی است(ریتزر، ۱۹۸۸: ۹۲).

احساس استقلال و خودمختاری: دومین جنبه از آموزش اخلاقی به تدارک دیگران و آماده‌سازی آن‌ها برای احساس استقلال می‌پردازد. منظور دورکیم از استقلال و خودمختاری آن است که فرد بفهمد: دلیل و علت این که قواعد تجویز می‌شوند چیست؟ و آن‌ها را به وسیله تصدیقی با فکر روشن و از روی میل پذیرفته باشد.

احساس صمیمیت به جامعه: سرانجام هدف از جامعه‌پذیر کردن، رشد احساس صمیمیت به جامعه و نظام اخلاقی است. تلاش‌هایی است که به منظور مبارزه با سستی تأثیر اخلاق جمعی بر افراد در جامعه مدرن صورت می‌گیرد.

### منابع

- اسدزاد، مرضیه. (۱۳۹۳). **مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروز آباد فارسی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد.
- آلموند، گابریل؛ پاول، بینگهام. (۱۳۸۱). **چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی**. ترجمه: علیرضا، طیب. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اینگلس، فرد. (۱۳۷۷). **نظریه رسانه‌ها**. ترجمه: محمود، حقیقت کاشانی. تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.

- حق شناس، علی‌محمد؛ و همکاران. (۱۳۸۷). **فرهنگ معاصر هزاره**. تهران: فرهنگ معاصر.
- زائر، عبدالله. (۱۳۸۲). **دین‌داری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان شهرستان قیر و کارزین**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد دهقان.
- سلیمی، علی؛ و داوری، محمد. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی کجروی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شریف‌حیدری، محمد. (۱۳۹۲). **جامعه‌پذیری دینی در ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۷). **رابطه دین‌داری و بزهکاری نوجوانان تهرانی، نمایه پژوهش**. شماره ۷.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**. تهران: نشر روان.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). **بررسی تأثیر وضعیت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آن‌ها**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). **توسعه سیاسی و تحول اداری**. تهران: نشر قومس.
- کوزر، لویس. (۱۳۸۵). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی.
- نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۶). **بحران هویت در نوجوانان**. مجموعه مقالات مبنای نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی‌اکبر، علیخانی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، صص ۲۲۸-۲۲۱.
- Catherine, M. R.; Taylor, L., K. (2015). The political socialization of youth in a postconflict community, **International Journal of Intercultural Relations**. No. 45, P.p: 11 -23.
- Collet Sabe, J. (2007). The crisis in religious socialization, **Social Compass**. No. 54 (1), P.p: 97-111.
- Hamplova, D.; Nesor, Z., R. (2009). Invisible religion in a non-believing country: the case of the Czech Republic, **Social Compass**. Vol. 56, No. 4, P.p: 581-597.
- Michener, H. A. & et al. (1990). **Social Psychology**. Second edition, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Scruton, R. (2007). **The Palgrave Macmillan dictionary of political thought Springer**.